



پارسه پاسارگاد

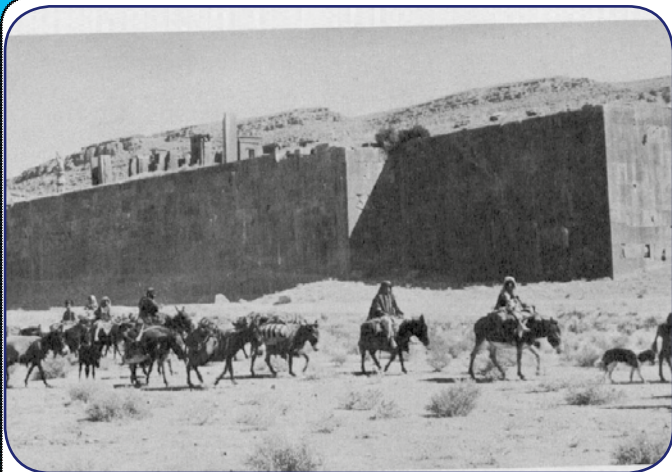
فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد / شماره یازدهم، تابستان ۱۳۹۸

Parsa Pasargadae World Heritage Site Newsletter



ایران - فارس - پاسارگاد - آرامگاه کوروش کیبیر

عکس: آرشیو میراث جهانی پاسارگاد



حفاظت از منظر فرهنگی با طیف گسترده ای از مفاهیم، دانش ها و رویکردها مرتبط است که مدیریت آن را بسیار حساس و پیچیده می کند. توجه به همه ارزش های موجود در پیکره آثار، محیط طبیعی آنها و رابطه انسان با این هر دو بخشی از این پیچیدگی تاریخی است که بدون درک عمیق یکپارچگی میان آنها نمی توان جوهره آن را دریافت و لاجرم از آن حفاظت نمود.

تعامل دیرینه ی انسان با محیط و آفرینش پس از آن اگر چه در آغاز و به ظاهر امری مادی برداشت می گردد، اما در درون حاوی ارزش است. این درون مایه ی ارزشی طیفی از موارد متنوع از رسوم، سنن، حرفه ها و ... گرفته تا دست ساخته های مادی را در گذر زمان و در محیطی مصنوع یا طبیعی، به عنوان منظر فرهنگی شامل می گردد.

بنابراین ضروری است موضوع مداخلات امروز انسانی در گستره مناظر فرهنگی از منظر دیگری از جمله با رویکرد پایداری الگوهای سبک زندگی بومی، حرفه ها، صنایع دستی و توسعه پایدار مبتنی بر بهره مندی از میراث تاریخی، فرهنگی و طبیعی، دنبال گردد. در اینصورت می توان پذیرفت با برنامه ریزی و رعایت استانداردهای مرتبط با منظر فرهنگی، مدیریت قبل از وقوع مداخله شده است، پیش از آنکه ختم به عکس العمل های شدید پس از انجام مداخله گردد.



* حمید فدایی مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید

سخن سر دبیر:

تخت جمشید و محوطه های اقماری پیرامون آن به عنوان بخشی از منظر تاریخی شهر باستانی پارسه از مهمترین منابع میراثی با ارزش های برجسته جهانی بشمار می روند.

میانی و شیوه های نگاهداشت چنین بستر پر ارزشی از دوره ها و لایه های متعدد تاریخی که گاه قدمت آن به هزاره ها قبل از دوره هخامنشی و نهاده شدن شهر پارسه برمی گردد، بجز با بینش ما نسبت به جوهره گذشته و دانش ما در حفاظت از ارزش های ملموس و ناملموس آن میسر نخواهد شد. نحوه توجه امروزین ما به استانداردهای منظر فرهنگی و چگونگی رعایت آن، از مهمترین موضوعاتی است که میراث های با ارزش توأم تاریخی، فرهنگی و طبیعی، همچون میراث تخت جمشید و نقش رستم با آن مواجه هستند. به تعبیر دیگر

مدیریت سوانح طبیعی در مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

محمد نصیری حقیقت

آمادگی و سرعت عمل کارکنان و تکمیل و تجهیز امکانات در محوطه پاسارگاد انجام می شود. همچنین، محوطه پاسارگاد سالانه در دو مقطع زمانی اواخر فصل بهار و اوایل فصل پاییز جهت جلوگیری از آتش سوزی از علف های هرز پاکسازی می گردد که این امر در مجاورت محیط پیرامونی و داخلی بناها به صورت دستی توسط کارگران ماهر و مابقی نقاط با دستگاه های کشاورزی درو، جمع آوری و به بیرون از محوطه منتقل می شود تا بدین صورت خطر آتش سوزی تا حد بسیار زیادی کاهش یابد. این امر از نظر نظافت و پاکیزگی محوطه و نیز حفظ منظر محیطی محوطه حائز اهمیت است.



سیل

بی تردید حجم نزولات آسمانی و بارش های اوایل سال جاری (۱۳۹۸) در مقایسه با میانگین دراز مدت بارندگی نشانگر تاثیرات انکارناپذیر آن در وقوع سیلاب ها و بحران سیل در مناطق مختلف است. وجود دو رودخانه در دشت پاسارگاد و در دو سوی محوطه جهانی پاسارگاد نشان از جاری شدن سیلاب و آبگیر بودن این دشت در صورت طغیان این رودخانه هاست.

رودخانه باستانی پلوار (سیوند) که از شرق محوطه عبور می کند رودخانه ای است دائمی به طول ۱۱۰ کیلومتر که از ارتفاعات شهرستان اقلید سرچشمه می گیرد و پس از عبور از دشت پاسارگاد، تنگ بلاغی و سیوند به رود کر پیوسته و در نهایت به دریاچه بختگان می ریزد. در سمت غرب محوطه رودخانه فصلی به نام سوباتن وجود دارد که از ارتفاعات کوه موسوم به موسی خانی سرچشمه گرفته و پس

پاکسازی محوطه از علف های هرز

روی محوطه در مواجهه با سه مقوله فوق خواهیم پرداخت.

آتش سوزی

خطر آتش سوزی از جمله سوانحی است که همواره آثار تاریخی، خصوصاً آثاری که در محوطه های روباز و در دل مراتع و دشت ها قرار دارند را تهدید می کند. هر ساله با شروع فصل گرما آثار موجود در محوطه پاسارگاد به سبب قرارگیری در پهنه دشت وسیع و نیز پوشش گیاهی فراوان مورد تهدید خطر آتش سوزی قرار دارد. حفاظت بناها در برابر آتش سوزی امری ضروری و مبتنی بر مدیریت و آموزش کارکنان در مواقع اضطراری است که در این زمینه هر ساله چندین مانور جهت

میراث جهانی پاسارگاد با هر سه مورد مواجه می باشد. در اولویت بندی بروز سوانح مذکور در پاسارگاد، در درجه اول به دلیل قرارگیری آثار در پهنه دشت و پوشش وسیع گیاهان خودرو خطر آتش سوزی قرار دارد. جاری شدن سیل با توجه به قرارگیری محوطه بین دو رودخانه دائمی و فصلی سیوند (پلوار) و سوباتن، که در فصول پربارش، طغیان این رودخانه ها می تواند تهدیدی جدی برای محوطه باشد، در درجه دوم و موضوع زلزله به دلیل قرارگیری منطقه پاسارگاد در ردیف متوسط خطر نسبی زلزله با توجه به جدول پهنه بندی زلزله در استان فارس، در درجه سوم اهمیت قرار دارد. در ادامه به اقدامات صورت گرفته و خطرات و تهدیدات پیش

محوطه میراث جهانی پاسارگاد نخستین پایتخت هخامنشیان در استان فارس است که در ۱۳۰ کیلومتری شمال شهر شیراز قرار دارد. این اثر تاریخی در سال ۱۳۸۴ در فهرست آثار جهانی یونسکو به ثبت رسید. این اثر مجموعه ای از بازمانده های معماری سنگی - خشتی است که از مراکز مهم حکومتی در اوایل دوره هخامنشیان به شمار می آید و به دستور کوروش بزرگ بین سال های ۵۳۰-۵۵۹ پیش از میلاد ساخته شده است.

نگرانی های مرتبط با سوانح طبیعی از جمله زلزله، آتش سوزی، سیل و تاثیرات آنها بر روی بناهای موجود در محوطه پاسارگاد منجر به انجام اقدامات و تمهیداتی در جهت رویارویی بلایای طبیعی با حفاظت از آثار تاریخی شده است. هر چند اقدامات صورت گرفته جهت کنترل تهدیدات و مدیریت سوانح ممکن است جوابگوی نیازهای مقطعی در مدیریت سوانح باشد، اما در صورت بروز وضعیت بحرانی تبعات و آسیب های جدی به آثار و بناها وارد خواهد آمد. با این پیش فرض که سوانح مقدمه رخداد یک بحران جدی محسوب می شوند در ابتدا به تعریف کلی بحران و مدیریت آن اشاره خواهیم داشت. بحران وضعیتی گذرا است که به دلیل وجود برخی تهدیدات، یک سیستم از حالت تعادل خارج می شود به گونه ای که برگشتن به حالت تعادل با دشواری و هزینه زیادی همراه باشد. به طور کلی، فرایند پیش بینی و پیش گیری از وقوع بحران، برخورد و مداخله در بحران و سالم سازی بعد از وقوع بحران را مدیریت بحران می گویند. از مهمترین سوانح در آثار تاریخی، بروز زلزله، سیل و آتش سوزی است که محوطه



وضعیت رودخانه در زمان سیل پس از گابیون گذاری

ای و نحوه رفتار آنها در برابر نیروهای وارده در اثر زلزله و ... است. بنابراین با اشاره کوتاه و گذرا به مباحث مطروحه و اهم سوانجی که ممکن است محوطه را مورد تهدید قرار دهد، لزوم آمادگی برای مقابله با سوانج و بحران های طبیعی و نیز انجام اقداماتی برای کاهش تاثیرات بلایای طبیعی آشکار است و فقدان طرح جامع مدیریت بحران برای

نیست. با بررسی آثار موجود در محوطه، می توان شواهد صدمات و تاثیرات سازه ای ناشی از زلزله، در ادوار گذشته را بر روی بناها دید؛ در حالی که به جز مواردی خاص و موردی آن هم در حد رفع خطر و استحکام بخشی اقدام قابل ملاحظه ای در خصوص مقابله با بروز زلزله احتمالی انجام نشده است. بدیهی است پرداختن به این موضوع نسبت به بحث



گابیون گذاری رودخانه پشت آرامگاه کوروش در سال ۱۳۸۲

بندی (دیواره سنگ چین) در دامنه جنوبی رودخانه سوباتن واقع در ضلع غربی آرامگاه کوروش جهت مهار سیلاب ها و مواردی دیگر از جمله اقدامات، در راستای مقابله با سیلاب در محوطه پاسارگاد است.

زلزله

در بحث زلزله، در منطقه خاورمیانه، ایران بعد از ترکیه

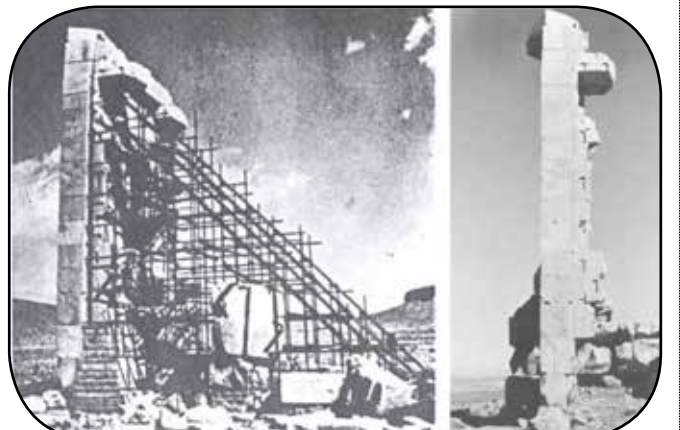
از گذشتن از مجاورت آرامگاه کوروش در دهانه تنگه بلاغی به رودخانه سیوند می پیوندد. طغیان این دو رودخانه در فصول پربارش می تواند خطر جاری شدن سیلاب و تخریب محوطه و بناها را در پی داشته باشد در این راستا اقدامات و تمهیداتی نظیر اجرای بند خاکی در بالا دست، جهت انحراف آب های سطحی و روان آب های حاصل از بارندگی به سمت پل تاریخی



برج سنگی، سال ۱۳۹۷، مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی پاسارگاد

این مجموعه جهانی بسیار محسوس می باشد و نیاز است پس از بررسی، آسیب شناسی و شناخت دقیق منطقه، محوطه و سوانج، نسبت به تدوین طرح جامع مدیریت بحران، اقدامی جدی و عملی صورت گیرد.

آتش سوزی و سیل که می توان با بررسی میدانی و شواهد موجود به صورت نظری در مورد آنها سخن گفت، نیازمند مطالعه دقیق در حوزه های میان رشته ای از جمله زمین شناسی، بررسی ساختار معماری آثار، تحلیل آثار از لحاظ سازه



برج سنگی، سال ۱۹۷۸، گروه ایتالیایی ایزمئو

دومین کشوری است که تحت تاثیر زلزله قرار می گیرد. با توجه به قرارگیری منطقه پاسارگاد در درجه متوسط پهنه بندی خطر لرزه خیزی استان، احتمال بروز این رخداد در محوطه پاسارگاد دور از ذهن

و کاخ بارعام، ایجاد شیب معکوس محیط پیرامونی کاخ ها به دلیل پایین بودن تراز کف بناها و آثار موجود، ایجاد چاهک های جذبی و شیب بندی و هدایت آب های سطحی درون بناها به سمت چاهک ها، اجرای بیش از ۲۰۰ متر گابیون

نظارت گسترده بر حرایم تخت جمشید و ممانعت از مداخلات و تعرضات با همکاری واحد حقوقی پایگاه پارسه - پاسارگاد



با دهیاری و شوراهای این شهرستان و روستاهای اطراف در جهت حفاظت و صیانت از آثار و تپه های تاریخی، استودان ها و دیگر محوطه های تاریخی در هر بخش و روستا را از دیگر فعالیتهای این بخش بر شمرند. جلسات توجیهی که ضمن معرفی آثار و ضوابط و حرایم، تعامل و همکاری در حفاظت هر چه بیشتر از محوطه های تاریخی به منظور جلوگیری از تخلفات صورت گرفته در حوزه های مربوط به میراث فرهنگی را به دنبال خواهد داشت. در همین رابطه حمید فدایی مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید نیز با اشاره به برخورد قانونی با متخلفین هر گونه ساخت و ساز در حریم درجه یک تخت جمشید گفت: با پیگیری بخش حقوقی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و اداره میراث فرهنگی شهرستان مرودشت تعرض به حرایم و ساخت و سازهای غیر مجاز مورد پیگرد حقوقی قرار می گیرد. ایشان تاکید کرد، یگان حفاظت مجموعه در راستای وظیفه ذاتی و ضوابط خاص و مصوب یونسکو بارها در قالب ضابطین خاص دادگستری و همچنین کارشناسان باستان شناسی با مالکین و منتفعین املاک جهت هر گونه ساخت و ساز، راهنمایی و مشورت لازم را ارائه نموده اند. در پایان بهمن مردانی رئیس اداره میراث فرهنگی مرودشت نیز با تاکید بر این نکته که یکی از مهمترین رویدادها در یک ساله اخیر پیاده سازی طرح کاداستر ثبتی در حوزه اسناد مرودشت است، خاطر نشان کرد، درحال حاضر با کمک و تلاش مدیریت پایگاه دکتر حمید فدایی، در مرحله اخذ اسناد عرصه ها و حریم های این مجموعه جهانی می باشیم.

اصل چهلم قانون اساسی را به عنوان یک اصل پیش رو که به همت مرحوم دکتر کاتوزیان مورد اهتمام قرار گرفته است، برای حفاظت از میراث فرهنگی بسیارحائز اهمیت می داند. ایشان انجام این مهم را منوط به برقراری توازن و تعادل میان اصل منفعت عمومی و اصل مالکیت خصوصی دانسته و ادامه می دهد، تنها در پاره ای از موارد خاص که به یقین منفعت عمومی اقتضاء دارد مالکیت خصوصی نادیده انگاشته می شود. واحد حقوقی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و اداره میراث فرهنگی مرودشت اذعان دارد در راه حفاظت از آثار تاریخی، فرهنگ در دشت مرودشت بعضاً همکاری و تعاملات میراث دوستانه مردم این مرز و بوم در حفاظت هر چه بیشتر از آثار تاریخی فرهنگی را شاهد بوده است، به گونه ای که مشارکت مردم در همکاری با یگان حفاظت این مجموعه، شناسایی حفاران غیرمجاز و دستگیری چندین باند حفار غیرمجاز، کشف و ضبط آثار تاریخی فرهنگی و انتقال و تحویل آثار مکشوفه به موزه تخت جمشید و ضبط چندین دستگاه فلزیاب و ... توسط یگان حفاظت این مجموعه را به دنبال داشته است. ایشان در ادامه، برگزاری جلسات عدیده و نشست ها فی مابین مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، دکتر حمید فدایی و بهمن مردانی، رئیس اداره میراث فرهنگی مرودشت

اقدام نموده است. از زمان ثبت جهانی تخت جمشید در سال ۱۳۵۸ ه. ش. تاکنون، نظارت بر حرایم و ممانعت از مداخلات و تعرضات در آن روز به روز دقیق تر و منظم تر گردیده است. پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و اداره میراث فرهنگی مرودشت پس از بازنگری ابلاغ مجدد حرایم تخت جمشید و ضوابط به تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۰ از طرف معاونت میراث فرهنگی با اراده پولادین یگان حفاظت، کارشناسان پایگاه و اداره میراث فرهنگی و نهایتاً واحد حقوقی، اقدام به حفاظت فرهنگی و فیزیکی در حرایم مصوب نموده است. در همین خصوص دو تن از اعضای واحد حقوقی پایگاه پارسه - پاسارگاد و اداره میراث فرهنگی مرودشت مطالبی را بیان نمودند:

فرشته دانشور مسئول امور حقوقی پایگاه و اداره میراث فرهنگی مرودشت با بیان این نکته که حریم بناهای تاریخی برای ما بسیار مهم است، یکی از وظایف مهم این مجموعه را جلوگیری از ساخت و ساز در حوالی آثار تاریخی دانست. امیر پیراحمدیان وکیل و مشاور حقوقی پایگاه نیز به اهمیت و لزوم صدور اسناد جهت عرصه های تاریخی و حرایم درجه ۱ و ۲ این اثر جهانی اشاره نموده و با تشریح مباحث نظری در خصوص موضوع منفعت عمومی و قواعد فقهی با مرجع دانستن قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط بر اساس اصول و مبانی فقهی،

پس از الحاق ایران به کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و جهانی یونسکو در سال ۱۳۵۳، تا سال ۱۳۵۸ فقط سه اثر برجسته از آثار ارزشمند کشورمان در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است که این رقم طی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۳ پیش از تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به ۶ اثر افزایش یافت.

اما روند رو به افزایش آثار ثبت شده میراث فرهنگی از سال ۱۳۸۴ تا به امروز به ۲۲ اثر در فهرست میراث جهانی یونسکو، علاوه بر اینکه اهتمام و تلاش قابل تقدیر معاونت میراث فرهنگی را طی این سالها می طلبد متعاقباً وظایف حفاظتی و اهتمام بیشتر جمیع نهادها و دستگاه های تقنینی، اجرایی و قضایی را در سطوح محلی و ملی یادآوری می نماید. لازم به ذکر است مجموعه تخت جمشید، نقش رستم، شهر تاریخی استخر و نقش رجب در دشت مرودشت به تنهایی و بدون حضور دیگر تپه های تاریخی و محوطه های باستانی، شگفتیهای دیرین قابل شناخت را برای جامعه باستان شناسی فراهم نموده است، به گونه ای که آثار فرهنگی موجود در دشت مرودشت یکی از مهمترین محوطه های جهانی را به عرصه باستان شناسی ارائه نموده است و پژوهشگران و متخصصین داخلی متعددی با همکاری گروههای بین المللی برای شناخت تمدن چند هزار ساله خفته در دشت پهناور پارسه، به این شهرستان آمده و به کاوش های علمی می پردازند. به همین دلیل سازمان میراث فرهنگی از گذشته تاکنون با توجه به کاوشهای علمی صورت گرفته، نسبت به بروزسانی ضوابط و حرایم میراث جهانی تخت جمشید

یادی از دو تن از باستان شناسان و مدیران فقید تخت جمشید، زنده یادان:

سید محمد تقی مصطفوی و علیرضا شاپور شهبازی

مهرناز بردبار



زمین که برترین میراث نیاکان ماست، مصروف داشت که حاصل آن تالیف کتاب‌هایی چون هگمتانه، آثار تاریخی تهران و اقلیم پارس و صدها مقاله و ترجمه و رسالات به جا مانده است و آثار یاد شده بر شخصیت علمی و کردار او گواهی می‌دهد. دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در اواخر سال ۱۳۵۵ به پاس خدمات گرانبه‌ای سید محمد تقی مصطفوی، درجه دکترای افتخاری به وی اعطا کرد. سید محمد تقی مصطفوی پس از سالها فعالیت در باستان شناسی ایران سرانجام در ۱۹ تیرماه ۱۳۵۹ در تهران چشم از جهان فرو بست.

علیرضا شاپور شهبازی:

دکتر علیرضا شاپور شهبازی در ۱۳ شهریور ماه سال ۱۳۲۱ در خانواده‌ای مذهبی در شیراز به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۴۲ در رشته تاریخ از دانشگاه شیراز فارغ‌التحصیل شد و رتبه اول را در رشته تاریخ و جغرافیا کسب کرد. علاقه وی به تاریخ و ادبیات باعث گردید در سال ۱۳۴۷ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته باستان‌شناسی آسیای غربی از دانشگاه لندن

همراه هیئت های فرانسوی و آلمانی به تحقیقات و حفاری های تخت جمشید پرداخت و در مدت دو سال تحقیق و کاوش در تخت جمشید به موفقیت های بسیاری نائل آمد و توجه باستان شناسان خارجی ، بیش از پیش به او معطوف شد، به حدی که به عنوان یک باستان شناس برجسته، زبانزد خاص و عام شد و بعدها ریاست موزه ایران باستان را به او محول کردند. مصطفوی با باستان‌شناسانی همچون اریک، اف اشمیت، جورج کامرون، آرتور پوپ و رومن گیرشمن همکار بود. پس از بازنشستگی از اداره کل باستان‌شناسی در سال ۱۳۳۷، همکاری مؤثری با انجمن آثار ملی داشت و از بانیان و موسسان انجمن آثار ملی سابق که هم اکنون به نام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی نامیده می شود بود. او از همکاران اصلی دایرةالمعارف فارسی نیز بود و تهیه و تدوین مقاله‌های مربوط به آثار و بناهای تاریخی، هنری و باستانی ایران را به عهده گرفت. در حقیقت، مصطفوی را باید احیا کننده آثار باستانی ایران دانست. مصطفوی بخش بزرگی از حیات خود را در شناساندن مظاهر فرهنگی ایران

به پایان رسانید. ابتدا در رشته حقوق تحصیل کرد. خدمت خود را در وزارت معارف در اداره تحقیقات آغاز نمود و به رشته باستان‌شناسی متمایل شد و در این رشته تخصص یافت. او علاقه زائد الوصفی به باستان‌شناسی تمدن و آثار کهن ایران داشت. از مهر ۱۳۱۰ تا آبان ۱۳۳۷ در اداره عتیقات سابق که بعدها عنوان آن به اداره کل باستان‌شناسی تغییر یافت، مشغول به کار شد و عهده‌دار سمت‌های بازرس فنی باستان‌شناسی، مأمور کاوش‌های علمی شوش و تخت جمشید، معاون باستان‌شناسی، رئیس اداره کل باستان‌شناسی، و مدیر کل باستان‌شناسی بود.

مصطفوی در دوره ریاست خود در اداره کل باستان‌شناسی اقدام به تأسیس نشریه علمی «گزارش‌های باستان‌شناسی» کرد. وی همچنین در بسیاری از کنگره‌های بین‌المللی در زمینه باستان‌شناسی شرکت داشت. محمد تقی مصطفوی نزدیک به پنجاه سال از زندگی خود را در باستان‌شناسی ایران گذرانید و بسیاری از بناهای باستانی را از نزدیک مورد بررسی قرار داد. در کاوش‌های باستان‌شناسی در تخت جمشید و بازسازی آن نقش عمده‌ای داشت، وی به

استاد حکمت الله ملاصالحی در مراسمی در رثای یکی از بزرگان باستان شناس چه خوب گفته اند که: «هر انسانی روزی به طور مقدر تن تسلیم آنگونه به مرگ می سپارد که زیسته است و آنگونه در یادها و خاطره ها خواهد ماند که مرده است، اما دیرپا و دراز آهنگ نام و یادش در حافظه میراثیان و جامعه باستان شناسان و مردم و ملت ما خواهد ماند». تیر ماه سال ۱۳۵۹ و ۱۳۸۵ جامعه ایران دو تن از میراثیان و بزرگان باستان شناس را تا خانه ابدی بدرقه کردند. در این مطلب که از محضر خواننده گرامی می گذرد سعی بر آن خواهد بود تا روایتی کوتاه از زندگی و فعالیت‌های دو تن از بزرگان و پژوهشگران باستان شناس و مدیران فقید تخت جمشید که نقش عمده ای در اعتلای تاریخ و میراث فرهنگی ایران داشتند، و همواره نام و یادشان در حافظه مردم و ملت ایران خواهد ماند گفته شود.

سید محمد تقی مصطفوی:

سید محمد تقی مصطفوی در سال ۱۲۸۵ شمسی دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی خود را در تهران در دبستان انتصابیه و دوره متوسطه را در دبیرستان‌های ثروت و دارالفنون



آخرین کتابی بود که وی در دست تالیف داشت و در مراحل نهایی ویرایش و تهیه نمایه بود و با بیماری و سپس فوت ایشان ناتمام ماند. (خوشبختانه ایشان کتاب در سال ۱۳۸۹ به همت مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسید). ایشان در ۲۵ تیرماه ۱۳۸۵ دور از وطنی که دوستش می داشت چشم از جهان فرو بست. دکتر شهبازی ۱۷ عنوان کتاب و حدود ۱۷۰ عنوان مقاله به زبانهای فارسی، آلمانی و انگلیسی از خود به یادگار گذاشت. پیکر این دانشمند فرهیخته پس از انتقال به ایران در جوار آرامگاه حافظیه در قطعه مشاهیر به خاک سپرده شد.

منابع:

- نصیری، محمدرضا، ۱۳۸۲، اثرآفرینان: زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران (از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی)، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، جلد پنجم، ص ۲۵۳.

- بزاز دستفروش، مهدی، ۱۳۹۷، یادی از سیدمحمدتقی مصطفوی، باستان‌شناس فقید، بازیابی شده از آدرس:

<http://www.chtn.ir/news/ID/135193>

فارسی ترجمه گردید. شهبازی در این سال‌ها همچنین دستیار ویراستار دانشنامه ایرانیکا بود و مدخل‌های فراوانی در باب تاریخ باستان و هخامنشیان در این دانشنامه به چاپ رسانید. همکاری با دایرت المعارف بزرگ اسلامی، دانش‌نامه جهان اسلام و دانشنامه فارس و همکاری با مرکز نشر دانشگاهی در مقام ویراستار، تالیف کتاب راهنمای جامع پاسارگاد و تالیف چندین مقاله مهم از کارهای بزرگ وی پس از بازگشت به ایران بود. در سال ۱۳۸۰ از وی به عنوان دانشمندی باتجربه و شناخته شده در مقام مشاور علمی بنیاد در تخت جمشید دعوت به عمل آمد. وی پل ارتباطی بنیاد پژوهشی پارسه- پاسارگاد و موسسات معتبر و دانشمندان جهان بود. در همین سال‌ها ایشان کتاب راهنمای مستند تخت جمشید را نیز با همکاری بنیاد پارسه- پاسارگاد به دو زبان فارسی و انگلیسی به رشته تحریر درآورد. وی همزمان نظارت و ویراستاری کتاب سه جلدی شکوه ایران را نیز بر عهده داشت و تالیف بخش مربوط به هنر و معماری هخامنشی جلد اول را نیز عهده‌دار گردید. این همکاری تا سال ۱۳۸۴ ادامه یافت. تفسیر مفصل تاریخ ساسانیان طبری

تا به طور گسترده کارهای اجرایی، پژوهشی و مرمتی در تخت جمشید دنبال گردد. انجام کارهای تعمیراتی و باستان‌شناسی، فعالیتهای فرهنگی از طریق تالیف و انتشار کتابهایی چون شرح مصور تخت جمشید به چهار زبان زنده دنیا، شرح مصور نقش رستم، و پژوهشهای هخامنشی از جمله این فعالیت‌ها است. گسترش و مجهز کردن کتابخانه تخت جمشید در زمینه هنر و باستان‌شناسی و اجرای طرحهای حفاظتی و مسایل مربوط به حریم تخت جمشید نیز از جمله کارهای بزرگی است که وی در تخت جمشید انجام داد. علاوه بر تالیف کتابهای نام برده شده، وی مقالاتی نیز در همین سال‌ها در چندین مجله معتبر داخلی و خارجی به رشته تحریر درآورد. دکتر شهبازی در سال ۱۳۵۸ به آلمان مهاجرت کرد و ضمن تدریس در دانشگاه گوتینگن آلمان پایان‌نامه فوق دکتری خود را با عنوان تاریخنگاری در ایران نوشت و فصل بزرگی از آن را به فردوسی اختصاص داد. وی همزمان به تالیف مقالات به زبانهای انگلیسی و آلمانی نیز ادامه میداد. در سال ۱۳۷۰ کتاب زندگی‌نامه انتقادی فردوسی را به زبان انگلیسی منتشر کرد. این کتاب در سال ۱۳۸۹ به

گرد. پس از اتمام دوره فوق لیسانس به ایران بازگشت و خدمت سربازی خود را در مقام استاد تاریخ در دانشگاه شیراز سپری کرد. در طول سالهای فعالیتش در دانشگاه شیراز سه کتاب به رشته تحریر درآورد. کوروش بزرگ که در سال ۱۳۴۹ برنده جایزه بهترین کتاب سال گردید و اولین کتاب تحقیقی وی محسوب می شود، جهاننداری داریوش بزرگ و شاهزاده هخامنشی: کوروش جوان کتابهای بعدی وی می باشند که تحت نظارت دانشگاه شیراز به چاپ رسیدند. ترجمه مشترک کتاب نقوش اقوام شاهنشاهی بنابر حجاری های پلکان آپادانای تخت جمشید با همکاری خانم خوبنظر کتاب بعدی وی می باشد. پذیرش بورسیه دانشگاه لندن موجب گردید وی به دانشگاه لندن اعزام گردد و رشته باستان‌شناسی را در مقطع دکترا به اتمام رساند. یادمان‌های ایرانی و لیکه‌ای رساله پایان‌نامه وی در مقطع دکترا است که در سال ۱۳۵۲ به زبان انگلیسی به چاپ رسید. وی در سال ۱۳۵۳ بنیاد تحقیقات هخامنشی را در تخت جمشید تاسیس کرد. تاسیس بنیاد تحقیقات هخامنشی به سرپرستی وی موجب گردید

ساماندهی اشیاء طاقی های تخت جمشید

فهیمة همایون، یونس زارع



تختگاه و یا دیگر محل های باستانی دشت مرو دشت بوده است. این اشیاء شامل مواد فرهنگی از جمله سنگ، آجر لعابدار، گچبری و سفال است. از برخی از این اشیا و مواد فرهنگی هیچ گونه آمار، اطلاعات و یا مستندات در آرشیو میراث جهانی تخت جمشید در دسترس نیست. در مقابل این طاقی ها نیز فضاهای معماری با دیوار خشتی قرار دارد که از سال ۱۳۷۳ به مرور، نقوش سنگی تخت جمشید که تعداد قابل توجهی از آنها مربوط به کاخ صدستون است، توسط کارشناسان و کارگران بخش مرمت به این بخش انتقال داده شده اند. بنابراین در اسفند ماه ۱۳۹۷ با هدف شناسنامه دار کردن، آمار گیری و ثبت و ضبط آثار موجود در طاقی ها و فضاهای مقابل آن طرح ساماندهی این اشیاء که شامل سنگ، آجر لعابدار و گچبری است، آغاز گردید.

در مرحله نخست این طرح، ساماندهی آثار سنگی موجود در فضای روباز مقابل طاقی ها آغاز شد تا پس از مستندنگاری به محل طاقی ها انتقال یابند. شیوه کار بدین صورت است که در ابتدا هر قطعه سنگی با علامت اختصاری (شماره ثبت و نوع قطعه سنگ) پشت نویسی شده و به هر قطعه شماره ویژه داده می شود. اطلاعات مربوط به هر قطعه سنگ از جمله (نوع قطعه، رنگ، جنس، ابعاد، نوع نقش، وضعیت سنگ، نوع آسیب و قابلیت نصب در محل) وارد جدول مشخصات می شود. پس از آن سنگ مورد نظر از چند زاویه عکاسی شده و در نهایت مشخصات قطعات در سیستم ورود اطلاعات می گردد.

کاوش های تخت جمشید در سال ۱۳۱۰ خورشیدی توسط جیمز هنری برستد (بنیان گذار و مدیر موسسه شرق شناسی در دانشگاه شیکاگو) آغاز شد. ارنست هرتسفلد به سمت نخستین مدیر منطقه ای برنامه کاوش های تخت جمشید برگزیده شد. هرتسفلد کاوش های خود را در سال ۱۳۱۳ خورشیدی به پایان رساند.

در آن زمان اشمیت که به حفاری در ری سرگرم بود، این مسئولیت را نیز بر عهده گرفت و تا سال ۱۳۱۵ خورشیدی برنامه حفاری ها و کاوش ها را در هر دو نقطه اجرا می کرد. در سال بعد موسسه های هنرپوری که مسئول حفاری در ری بودند، یعنی موزه دانشگاه فیلادلفیا و موزه هنرهای زیبای بوستون، در امر خطیر حفاری های تخت جمشید به موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو پیوستند و عملیات اکتشافی تخت جمشید زیر نظر این موسسه ادامه یافت. از آن زمان به بعد حفاری های باستان شناسی متعددی توسط هیات های مختلف باستان شناسی در تخت جمشید انجام پذیرفت.

در طی سالیان گذشته اشیا و مواد فرهنگی که از مجموعه تخت جمشید و دیگر محوطه های دشت مرو دشت در طی فعالیت های باستان شناسی و یا به صورت اتفاقی از گذشته تا به امروز کشف شده اند در محلی در بخش جنوب غربی تخت-گاه نگه داری می شدند.

در بخش جنوب غربی تختگاه تخت جمشید و غرب کاخ ملکه نیز اتاق هایی با سقف طاقی شکل قرار دارد که این اتاق های طاقی شکل، برای چندین سال متوالی محل نگهداری اشیاء مکشوفه از حفاری های تخت جمشید و نقاط مختلف

اهدای یک قطعه بلوک سنگی به موزه تخت جمشید



مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید از اهدای یک قطعه بلوک سنگی به صورت تزیینی با گل دوازده پر لوتوس از سوی حسین زارع شهروند متعهد و دوستدار میراث فرهنگی، از روستای خلف طاحونه؛ جهت حفظ و نگهداری؛ به پایگاه میراث جهانی تخت جمشید خبر داد

حمید فدایی در این خصوص ادامه داد: طی بررسی های انجام گرفته توسط کارشناسان باستان شناسی پایگاه، این قطعه سنگ به صورت نقش برجسته به ابعاد ۳۱×۳۴×۱۰ سانتی متر، اصیل و دارای ارزش تاریخی، فرهنگی و موزه ای است.

وی افزود: این قطعه سنگ دارای رسوبات سطحی بوده و نیازمند پاکسازی و آسیب نگاری است، که بزودی عملیات حفاظت آن از سوی کارشناسان حفاظت و مرمت پایگاه دنبال خواهد شد.

فدایی گفت: از گذشته تا کنون برخی از قطعات سنگ در تخت جمشید که به مرور زمان از بدنه ها جدا شده است نزد برخی از دوستداران و حافظان میراث فرهنگی حفظ و نگهداری شده است که از ایشان دعوت می شود با اهدای آثار به موزه تخت جمشید شرایط حفاظت مناسب تری را برای میراث خود فراهم آورند.

در همین ارتباط مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید افزود: قطعه بلوک اهدایی و دیگر آثاری که پس از این به مجموعه اهدا می گردد بنام صاحبین آن ها در موزه نگهداری و به نمایش گذاشته خواهد شد. طی اظهارات فرد اهدا کننده این قطعه سنگ منقوش در سال های گذشته توسط پدر بزرگ همسر ایشان از حدود شهر استخر به روستای خلف طاحونه منتقل گردیده است.

گفتنی است، در مراسمی که با حضور حمید فدایی مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، محمد جواد اولاد حسین مدیر داخلی پایگاه، بهمن مردانی سرپرست اداره میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان مرودشت و روح الله خالدیان مسئول یگان حفاظت مجموعه تخت جمشید برگزار گردید با اهدای لوح تقدیر و هدیه از سوی حمید فدایی مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید از این شهروند متعهد و دوستدار میراث فرهنگی تقدیر شد.

فدایی در این مراسم با ابراز خرسندی از این عمل ارزشمند گفت: اهدای این قطعه سنگ توسط این شهروند متعهد گامی باشد برای دوستداران و حافظان میراث فرهنگی که با اهدای آثاری از این دست به موزه تخت جمشید شرایط حفاظت مناسب تری را برای میراث خود و آیندگان فراهم می آورند.

هم اکنون این قطعه سنگ در گنجینه موزه تخت جمشید نگهداری می شود تا پس از مرمت، با نام خود اهدا کننده در موزه تخت جمشید در معرض دید بازدید کنندگان قرار گیرد.



استحکام سازی و بهسازی اتاقک نگهبانی شهر استخر:

واحد دفتر فنی



اتاقک موجود با داشتن عرض دیواره نزدیک به ۶۰ سانتی متر دارای استحکام بسیار پایین است؛ چرا که وسط دیواره از خشت خام و خاک و گل پر شده بود. از اینرو واحد دفتر فنی در گام اول اقدام به مهار نمودن سقف توسط جک نموده و سپس اقدام به تخریب دیوار جلو و آهن کشی زیر سقف و اضافه نمودن ستون در جهت جانبی دیوارها نمود. پس از استحکام سازی اتاقک و نصب ماسه و سیمان اندود و فضای داخلی با اندود گچ آستر شد.

وضعیت ناسامان اتاقک نگهبانی شهر استخر و نداشتن دید کافی مراقبان آثار نسبت به محوطه تاریخی شهر استخر، سبب شد استحکام بخشی و بهسازی اتاقک نگهبانی این محوطه تاریخی در دستور کار پایگاه میراث جهانی تخت جمشید قرار گیرد. پس از برداشت اولیه اتاقک، چند طرح پیشنهادی ارائه که در نهایت منجر به افزایش بازشوهای موجود و بهسازی فضای داخلی و خارجی اتاقک گردید. با تخریب بازشوها مشخص شد،

بهسازی اتاقک های نگهبانی

مجموعه میراث جهانی تخت جمشید:

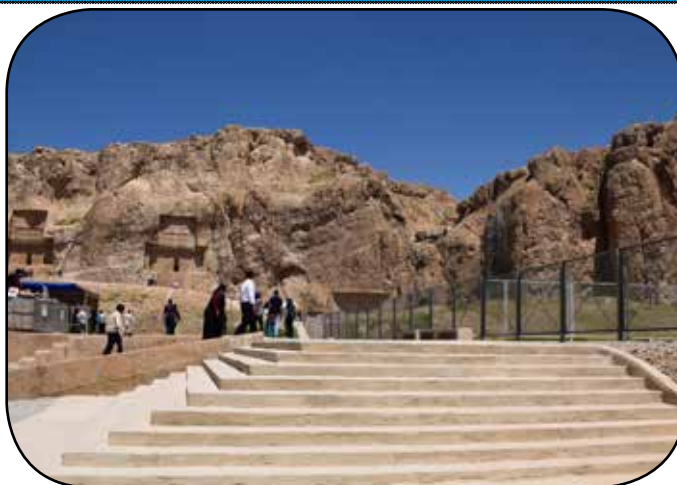
واحد دفتر فنی



قدیمی تعویض و پنجره هایی با وسعت دید بیشتر و بدون داشتن هیچ مانعی در وسط جایگزین شد. در این پنجره ها یک جهت بازشو به سمت باد غالب محیط، طراحی و جای گذاری گردید. فضای داخلی و سقف، با مصالح گچ آستر و تاسیسات برق زیرکار و به تعداد مناسب جایگزین و قسمت های فرسوده درب های موجود اتاقک ها، رفع عیب، رنگ آمیزی و نصب گردید. دیواره های بیرونی نمای کاهگلی یافت و تجهیزات داخلی نظیر سیستم سرمایشی و گرمایشی و توستر های گرم کن غذا نصب و جایگذاری گردید.

فراهم آوردن شرایط آسایش مراقبان آثار با در نظر گرفتن رعایت اصول حفاظتی از جمله برنامه های پایگاه میراث جهانی تخت جمشید است. در همین راستا و با این هدف که فراهم آمدن آسایش، منجر به خدمات بیشتر به مجموعه خواهد شد، بهسازی اتاقک های نگهبانی تخت جمشید در دستور کار واحد دفتر فنی قرار گرفت تا علاوه بر تحقق این هدف، اتاقک ها بتواند چهره ای همخوان با بستر مجموعه بیابد. در این پروژه بدنه داخلی اتاقک ها و کف، تخریب و با مصالح سنگی، نما و کفسازی شد. پنجره های

نقش رستم شروع مناسب در معرفی مسیر بازدید، تفکیک کننده پارکینگ و مسیر بازدید پیاده، رعایت تناسب در فرم کلی و اجزا تشکیل دهنده (سطح تک پله و ارتفاع تک پله)، مناسب بودن نوع و رنگ مصالح، همخوان با مجموعه و مقرون به صرفه بودن در نظر گرفته شده است.



ساخت پلکان ورودی محوطه نقش رستم

گروه مرمتی آثار تاریخی نقش رستم

و با مصالح آجر و سیمان و اندود کاهگل و سیمان به ابعاد ۵ × ۴ متر اجرا شده است. در طراحی پلکان ورودی محوطه



جهت سهولت رفت و آمد بازدیدکنندگان به خصوص افراد مسن و ناتوان، در انتهای محوطه پارکینگ و در ورودی مجموعه، با همکاری همکاران محوطه تاریخی نقش رستم و واحد دفتر فنی، پلکانی طراحی و اجرا گردید. این سازه دارای ۹ پله است و با زیرسازی مخلوط



پیگیری اجرایی محور ورودی تخت جمشید



کل مسیر نیازمند اعتباری بالغ بر ۶۰ میلیارد ریال است که این مبلغ شامل نصب کفپوش، حفاری، بتن مگر، تهیه و نصب لوله گاروگیت جهت دفع آب های سطحی، تهیه و نصب لوله سیمانی، نورپردازی و تهیه و نصب سیستم آبیاری نوین و... است.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در پایان خاطر نشان کردند: مصالح به کار رفته در ادامه ساماندهی محور، نسبت به فاز یک و دو از کیفیت بسیار بالایی برخوردار است. همچنین کفپوش های مسیر ورودی در فاز سه و چهار نیز از نوع واش بتن است که نسبت به کفپوش های کار شده در فاز یک و دو از مقاومت سایش بسیار بالایی برخوردار است.

میراث جهانی تخت جمشید و به نقل از حمید فدایی مدیر پایگاه، ساماندهی محور ورودی تخت جمشید پروژه ای است که در سال ۱۳۹۶، با اعتباری بالغ بر ۲۰ میلیارد ریال در فاز اول به مترائ ۶۰۰ متر طول و عرض ۷۷۰ متر کلید خورد.

در این فاز با در نظر گرفتن استاندارد های لازم، مسیر های تردد روستاییان، دوچرخه سواران و معلولین ساماندهی شده است. قابل ذکر است طول کل پروژه ۳۰۵۰ متر است که در ۴ فاز برنامه ریزی شده است.

فدایی در این خصوص افزود: برای اجرایی کردن ادامه ساماندهی ورودی این محور در

جمشیدی مدیر کل دفتر فنی استانداری، سید مویذ محسن نژاد معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی استان فارس، دکتر حمید فدایی مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و بهمن مردانی سرپرست اداره میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان در محل ورودی این محور بازدید و پیگیری شد. به گزارش روابط عمومی پایگاه

عملیات اجرایی محور ورودی تخت جمشید از سمت میدان ملل به سمت میدان ثبت جهانی با حضور حسین اربابی معاون وزیر سرمایه گذاری سازمان میراث فرهنگی، دکتر برومندی نماینده شهرستان مرودشت، مهندس پیکری فرماندار شهرستان مرودشت، ظفر افشون معاون هماهنگی و مدیریت امور زائرین استانداری فارس، دکتر امیر حسین



از انتقال از محل اصلی و انجام پاکسازی، در محور اصلی خود قرار داده شدند.

در نهایت برای جلوگیری از نفوذ مجدد آب به داخل ترک ها و جدا شدن سنگ ها، بندکشی به وسیله ملات آهک انجام شد.



مرمت سکوی زیر پای خشیارشا

گروه مرمتی آثار تاریخی نقش رستم

قطعه نما و ۶ قطعه مغز سنگ برداشته شده و پس

جابجایی سنگ اتفاق افتاده بود. به همین منظور ۱۴



در راستای انجام مرمت های اضطراری در نقش رستم، سکوی سه پله ای زیر پای خشیارشا به عنوان اولین پروژه، مورد مرمت قرار گرفت.

به علت وجود ترک و نفوذ آب، شکستگی های متعدد و

کارگاه حفاظت و مرمت پایه ستون های کاخ آپادانا

شهرام رهبر



اجرای ملات های آهکی از لحاظ دما و رطوبت، فصل بهار و پاییز است. با این حال مرمتگران تخت-جمشید تلاش کرده اند، با ایجاد سایه بان و ایجاد پوشش های پلاستیکی و برزنتی در تمامی سال، اقدامات حفاظتی و مرمتی ته ستون ها را انجام دهند. مسئول گروه حفاظت و مرمت در پایان با اشاره به مرمت پنج ته ستون کاخ آپادانا به روش کاملا علمی و استفاده از مواد و مصالح به روز دنیا خاطر نشان ساخت، پروژه حفاظت و مرمت ته ستون های کاخ آپادانا کماکان ادامه دارد.

و آزمایش قرار گرفت که نتایج آن در گزارش های فنی گروه حفاظت و مرمت قابل مشاهده و بررسی است. وی با تاکید بر اینکه با استفاده از نتایج به دست آمده از پایش

آموزشی کاخ هدیش در سال ۱۳۹۰ با حضور متخصصین و کارشناسان حفاظت و مرمت در بخش جنوبی کاخ هدیش برگزار گردید. رهبر عنوان کرد:

شهرام رهبر مسئول گروه حفاظت و مرمت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در این باره گفت: پروژه حفاظت و مرمت پایه ستون های کاخ آپادانا طبق برنامه های از پیش تعیین شده از ابتدای سال ۱۳۹۷ آغاز شد.



این پروژه با هدف استحکام بخشی و جلوگیری از فرسایش ته ستون های کاخ آپادانا و آثار و بقایای سنگی تخت جمشید برنامه ریزی گردید. وی ادامه داد: پایه ریزی مباحث فنی این طرح با برگزاری کارگاه آموزشی استحکام بخشی بقایای سنگی کاخ هدیش شکل گرفت. کارگاه



مانیتورینگ) چندساله، طرح حفاظت و مرمت پایه ستون- های کاخ آپادانا طرح ریزی شده است، افزود: با توجه به شرایط اقلیمی منطقه و محدودیت های فنی، بهترین زمان

در کارگاه هدیش با حضور و تلاش مشترک متخصصین ایرانی و ایتالیایی استفاده از مصالح جدید پایه آهکی (لدان) برای نخستین بار آغاز شد و طی چندین سال مورد بررسی



گرفت که با اضافه شدن درختان چاه جنگل، جنگل پشت محل استقرار یگان حفاظت، جنگل پشت زمین فوتبال در نزدیکی اداره میراث فرهنگی شهرستان مرودشت و بخشی از چاه جنگل که در اختیار شهرداری مرودشت بوده و در حال حاضر تحت پوشش اداره میراث فرهنگی مرودشت است، مساحت بیشتری از بوته زنی را به نسبت سالهای قبل در بر گرفت. ۱۳ هکتار از مساحت شهر تاریخی استخر شامل محدوده مسیر بازدید، محدوده فنس شمالی تا چایخانه در مجموعه تاریخی نقش رستم به متراژ ۵ هکتار و محدوده کامل فنس کشی در نقش رجب به مساحت ۴۰۰۰ متر مربع نیز در ادامه پروژه بوته زنی و با همکاری واحد دفتر فنی و گروه حفاظت و مرمت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و نقش رستم در مدت زمان تقریبی سه ماه انجام شد.

واحد دفتر فنی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید خبر داد:

اجرای بوته زنی در تخت جمشید، نقش رستم و شهر استخر



جمشید انجام شد، بوستان پردیس، بخشی از درختان چاه جنگل، بخش جلو صفا تخت جمشید (حفاصل هتل آپادانا تا بخش شمالی برزن) و بخشهایی از برزن جنوبی را شامل گردید. لازم به ذکر است اجرای بوته زنی در محوطه تخت جمشید در سال ۱۳۹۸ در حالی انجام

بصری (پنهان ماندن بخشی از آثار در پشت علفهای هرز) در محوطه های میراث جهانی تخت جمشید، نقش رستم و شهر استخر انجام شد.

این پروژه که در مساحت تقریبی ۵۰ هکتار ابتدا در مجموعه میراث جهانی تخت

پاکسازی مجموعه تخت جمشید، نقش رستم و شهر استخر از علف های هرز، به منظور پیشگیری از خطرات احتمالی آتش سوزی، جلوگیری از مخفی شدن جانوران گزنده و ایجاد خطرات برای بازدید کنندگان و جلوگیری از اغتشاشات

پاسارگاد یکی از کتابخانه های تخصصی در حوزه حفاظت و مرمت و باستان شناسی است.

این کتابخانه در سال ۱۳۸۲ تاسیس شد و هم اکنون دارای بیش از ۵۰۰۰ منبع چاپی و دیجیتال اعم از کتاب، مجله، گزارش، مقاله و پایان نامه در زمینه های حفاظت و مرمت، باستان شناسی، تاریخ و جغرافیا، گردشگری و هنر و معماری است. تمامی منابع کتابخانه از طریق نرم افزار مدیریت کتابخانه پارس آذرخش فهرست نویسی، رده بندی و کدگذاری گردیده تا به شکلی اصولی قابل بازیابی بهتر و سریعتر برای همکاران و عموم علاقمندان باشد.

این کتابخانه در سال ۱۳۹۸ به همت مدیریت پایگاه میراث جهانی پاسارگاد و با همکاری انتشارات سروش دانش، موفق به خرید بیش از ۲۰۰ جلد کتاب تخصصی از انتشارات مختلف گردید.

خرید بیش از ۲۰۰ جلد کتاب تخصصی کتابخانه پاسارگاد در سال ۱۳۹۸



روندی باعث شد تا سازمان ها در زمینه تخصصی خود کتابخانه ای ایجاد کنند. این نوع کتابخانه ها در سازمان ها یا موسسات برای کمک به کارکنان به وجود می آیند تا آنان را در کسب اطلاعات فنی و تخصصی مورد نیاز یاری دهند. کتابخانه تخصصی

پیدایش کتابخانه تخصصی به مفهوم امروزی حاصل قرن ۱۹ است. پیشرفت های صنعتی، فنی و علمی به وجود آمده از آغاز قرن ۱۹ و انگیزه پیشرفت و کامیابی اجتماعی از طریق داد و ستد تجارت و صنعت سبب شد تا علاقه افراد به انواع علوم افزایش یابد و چنین

کتاب و کتابخانه اندیشه های مکتوب یک ملت است. تاریخ، فرهنگ و تمدن هر ملتی با علم، کتاب، آثار باستانی و مجموعه های هنری و تاریخی آن سنجیده می شود و ایرانیان فرهنگ پرور و فرهنگ دوست در به وجود آوردن کتاب و کتابخانه از پیشروترین ملت ها بوده اند.

به مناسبت هفته دولت

افتتاحیه بوم گردی کالان و مجتمع خدمات رفاهی مجموعه میراث جهانی پاسارگاد



استانداری فارس، معاونت گردشگری فارس، فرماندار شهرستان پاسارگاد و مسئولین شهرستان و بخش پاسارگاد افتتاح گردید. اقامتگاه بوم

به مناسبت هفته دولت برنامه افتتاح اقامتگاه بوم گردی خانه کالان و مجتمع خدمات رفاهی مجموعه میراث جهانی پاسارگاد با حضور معاونت گردشگری

گردشگران به خدمات رفاهی اولیه طراحی فضایی جهت ارائه خدمات از جمله نمازخانه، سرویس بهداشتی، کافی شاپ و عرضه صنایع دستی با استفاده از سازه های موقت و ایجاد محیطی آرام در راستای استفاده گردشگران در دستور کار پایگاه قرار گرفته بود که پس از تکمیل و راه اندازی به بهره بردار شخصی واگذار گردید.

گردی خانه کالان یک خانه روستایی ایوان دار با سه اتاق با طرح و معماری بومی است. سقف خانه با چوب و حصیر پوشانده شده، بدنه دیوارها کاهگل است و درب اتاقها به درون ایوان باز می شود. همچنین دو اتاق نیز به صورت منفرد در بخش شمالی حیاط اقامتگاه ساخته شده است. همچنین با توجه به نیاز



کشف ۲ نمونه بست دم چلچله ای کاملاً سالم در پاسارگاد



ادامه دارد.

مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد تاکید کرد، این بست ها موضوعی بکر برای مطالعات آزمایشگاهی و کشف زوایای دیگری از معماری کهن هخامنشی هستند.



این بست ها که خوشبختانه از چشم ربایندگان در امان مانده اند، برای اولین بار است که در مجموعه میراث جهانی پاسارگاد مشاهده شده اند. وی ادامه داد: تا پیش از این صرفاً با استناد به فضاهای خالی به جا مانده از آنها در پیکره بناها از به کارگیری این تکنیک برای اتصال بلوک های سنگی بزرگ به یکدیگر در این مجموعه یاد می شده است.



و در ادوار گذشته، با بیرون کشیدن بست ها و سرب اطراف آنها به قصد تولید ساچمه برای تفنگ های سرپر و دیگر مصارف، آسیب زیادی به بلوک های سنگی و معماری بنا وارد شده است.

او افزود: پروژه حفاظتی یاد شده به منظور در کنار هم چیدن قطعات پراکنده و خواناسازی معماری اثر از چندی پیش آغاز گردیده و کماکان

مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد گفت: در جریان پروژه بازپیرایی و ساماندهی بلوک های سنگی مربوط به صفه بنای برج سنگی مجموعه پاسارگاد، دو نمونه از بست های دم چلچله ای به صورت کاملاً سالم یافت شد. به گزارش ایلنا، افشین ابراهیمی (مدیر پایگاه میراث جهانی پاسارگاد) با اعلام خبر کشف ۲ نمونه بست دم چلچله ای کاملاً سالم در پاسارگاد، گفت: در این مکان

اقامتگاه بوم گردی خانه کالان



خوراک ها و غذاهای محلی منطقه پاسارگاد تهیه شده و در اختیار گردشگران قرار می گیرد. از جمله این غذاها می توان به کلم پلو، کته گوجه، دو پیازه آلو، چلو گوشت، دمپخت سیرموک، دلمه، کشک بادمجان، آب بنه و کلجوش اشاره کرد.

نوشیدنی های بومی پاسارگاد نیز شامل شربت خاکشیر، تخم شربتی، دوغ و دم نوش آویشن، بابونه و چای کوهی می باشد. جدای از اقامت و صرف غذا در اقامتگاه بوم گردی خانه کالان، در صورت تمایل گردشگران یک تور تاریخی طبیعی جهت بازدید از جاذبه های تاریخی طبیعی منطقه پاسارگاد در نظر گرفته شده است که توسط راهنمای اختصاصی بومی برگزار می شود. این تور شامل بازدید از محوطه میراث جهانی پاسارگاد، تنگ تاریخی بلاغی، سدها و کانالهای آبرسانی تاریخی پاسارگاد، جنگل های بنه (پسته کوهی) چاهبید و خرسی و محوطه های دیگر می باشد.

همچنین بازدید از سکونت گاه های عشایری و آشنایی با زندگی کوچ نشین های پاسارگاد و استراحت در سیاه چادر های عشایری از دیگر برنامه های گردشگری خانه کالان است.

اقامتگاه بوم گردی خانه کالان در شهر پاسارگاد (مادرسلیمان) در استان فارس واقع شده است.

کالان نام دشت پاسارگاد در سده های گذشته بوده است که به دشت سرسبز و خرم با پرندگان گوناگون نسبت داده شده است.

این بلخی مورخ ایرانی سده پنجم هجری در کتاب فارسنامه به نام کالان اشاره کرده است. این اقامتگاه یک خانه روستایی ایوان دار با سه اتاق با طرح و معماری بومی است. سقف خانه با چوب و حصیر پوشانده شده و بدنه دیوار ها نیز کاهگل است و درب اتاق ها نیز به درون ایوان باز می شود. همچنین دو اتاق نیز به صورت منفرد در بخش شمالی حیاط اقامتگاه ساخته شده است. همه اتاق ها دارای سرویس بهداشتی و حمام اختصاصی است. در هر اتاق دو تخت در نظر گرفته شده و یکی از اتاق ها بدون تخت و به صورت رخت خواب سنتی در نظر گرفته شده است. در بخش جنوبی حیاط، یک ایوان جهت استراحت و صرف غذا ایجاد شده است. همچنین یک آشپزخانه نیز جهت تهیه و پخت خوراک و نوشیدنی های بومی و محلی در خانه کالان وجود دارد. در خانه کالان انواع

میراث جهانی پاسارگاد از دریچه دوربین



آرامگاه کوروش، سال ۱۳۹۸، بابک صدیقی



آرامگاه کوروش، سال ۱۹۵۳، ارنست هرتسفلد



تل تخت، سال ۱۳۹۸، بابک صدیقی



تل تخت سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲ خورشیدی)، اریک.اف.اشمیت



آرامگاه کوروش، سال ۱۳۹۸، بابک صدیقی

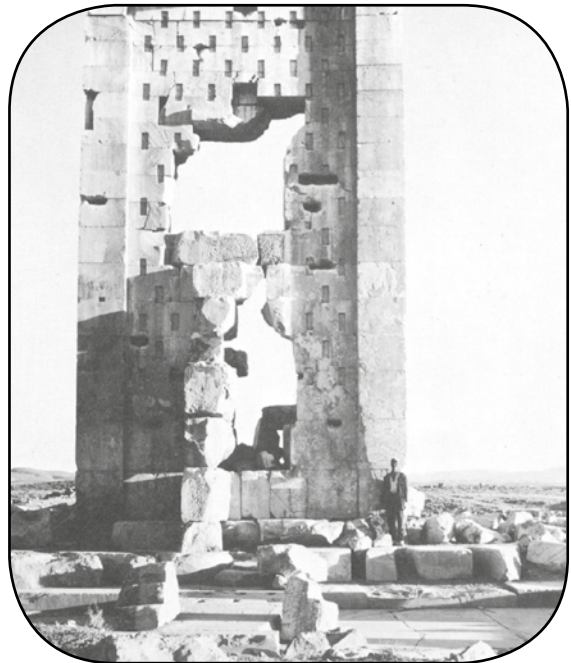


آرامگاه کوروش، سال ۱۹۷۸، گروه ایتالیایی ایزمئو



کاخ بارعام، ۱۳۹۸، بابک صدیقی

کاخ بارعام، اکتبر ۱۹۶۱ میلادی (۱۳۴۰ خورشیدی)، دیوید استروتاخ



برج سنگی، سال ۱۳۹۸، بابک صدیقی

برج سنگی سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷ خورشیدی)، گروه ایتالیایی ایزمئو



کاخ اختصاصی، سال ۱۳۹۸، بابک صدیقی

کاخ اختصاصی سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷ خورشیدی)، گروه ایتالیایی ایزمئو

نقش اقتصادی زنان در دوران هخامنشیان

مهرناز بردبار



طرحی از مهر شماره ۳۸ متعلق به آرتیستونه همسر داریوش
برگرفته از کتاب مارک گریسون

عضو دربار هخامنشی می دانیم زیرا هم ملک و املاک و هم مهر شخصی داشته است. حوزه فعالیت اقتصادی ایردبمه از شوش تا تخت جمشید است. الواح باروی تخت جمشید آگاهی جامعی از دامنه فعالیت‌های اقتصادی ایردبمه و کارگزارانش برای ما روشن می کند. ایردبمه بر نیروی کار وسیعی نظارت می کرده است. کارگران ایردبمه حتی به عنوان دریافت کننده جیره مخصوص به طور خاص در الواح بارو ذکر شده اند. این امر که مامورانی برای ایردبمه کار می کرده اند تاکید می است بر استقلال موقعیت اقتصادی وی، مقایسه سهمیه غذای ایردبمه با آرتیستونه همسر داریوش اول نشان دهد که ایردبمه در دربار هخامنشی جایگاهی خاص داشته است. الواح بارو به روشنی هویت بانوان درباری را مشخص می کند. اما در الواح بارو فقط از زنان درباری نام برده نشده است. مدارک بسیاری در میان این الواح وجود دارد که نشان می دهد زنان غیر درباری بسیاری در فعالیت‌های اقتصادی سرزمین

یکی از زنان قدرتمند و دارای بالاترین مقام در میان زنان دربار هخامنشی است. آنطور که از نوشته های الواح باروی تخت جمشید به دست می آید نام ایردبمه نه تنها به عنوان زمین دار بلکه به عنوان زنی

کند. منابع یونانی و منابع خاور نزدیک شواهد فراوانی مبنی بر نظارت زنان درباری و منسوبان هخامنشی بر املاک خود دارند. این املاک در پارس و بابل و ماد و سوریه واقع بوده است. این زنان شامل آرتیستونه و

منابع دست اولی که برای بحث درباره فعالیت‌های اقتصادی زنان درباری و غیر درباری هخامنشی موجود است، متون الواح باروی تخت جمشید و تا حدودی هم متون بازرگانی موراشو است. متون بابلی نوین در مجموعه موراشو اولین مدرک به خط میخی درباره زمین دار بودن یک زن درباری پارسی به نام پریساتیس است که املاک خود را به کشاورزان اجاره داده بود و مباشران وی مال الاجاره را جمع آوری می کردند. اشاره به املاک سلطنتی در الواح باروی تخت جمشید با عبارت ((یولهی یونینمر)) به معنی از ملک من مشخص می گردید.

متون زیادی وجود دارد که در آن به املاک زنی به نام آرتیستونه همسرشاه (داریوش) اشاره می شود. الواح موجود نشان می دهد که آرتیستونه حداقل در سه ناحیه پارسه، کویکانکان، متانان و میراندو/ اوراندوش ملک و مستغلات داشته است. بنا بر نوشته هالک آرتیستونه مهری شخصی نیز داشته که هالک در نوشته هایش از آن با عنوان مهر شماره ۳۸ یاد می



تصویر اصلی مهر شماره ۳۸ متعلق به آرتیستونه همسر داریوش

که نیروی کار بزرگی را در سرزمین پارس سرپرستی می کرده ذکر شده است. ایردبمه در فرمان‌هایش از مهر شماره ۵۱، مهر مخصوص به خودش استفاده می کرده است. نام وی به دفعات در رابطه با گروه کارگزارانش که در تیرازیش (شیراز امروزی) مستقر بوده اند، ذکر شده است. وی را به این دلیل

ایردبمه، آمستریس، آمیسیریا و پریساتیس و شاید داماسپیا بوده اند. ایردبمه و آمیسیریا جزوی از اعضای خاندان سلطنتی بوده اند و نه همسران شاه. اما معتبرترین منابع موجود مبنی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان هخامنشی را می توان در الواح باروی تخت جمشید یافت. در این میان ایردبمه



نقش برجسته ای از داسکلیون که بانوی هخامنشی را سوار بر اسب نشان می دهد

های اقتصادی چه به عنوان سرپرست و چه به عنوان گروههای کارگری شرکت داشته و نمی توان آنها را به عنوان زنانی بدون هیچ نقش و هدف که تنها در کاخها زندگی می کرده اند در نظر گرفت.

منابع:

- بروسیوس، م. (۱۳۸۷) زنان هخامنشی، ترجمه هایده مشایخ، تهران: هرمس.
- Hallock, Richard T. (1969), Persepolis Fortification Tablets, Chicago: University of Chicago.
- Garrison, Mark B. & Cool Root, M. (2001), Seals on the Persepolis Fortification Tablets, Chicago: The Oriental Institute.

موارد پول نیز دریافت می کردند. این گروه های کاری در سر تا سر نواحی تحت پوشش وجود داشته اند. میزان جیره های دریافتی زنان بر اساس مهارت کارگران در یک شغل واحد تغییر می کرده است و در این روش پرداخت جیره های مختلف، زنان و مردان جیره یکسان دریافت می کردند. اگرچه جیره ویژه نیز به برخی گروههای کارگری زنان داده می شد. به عنوان نمونه مادرانی که فرزند پسر به دنیا می آوردند جیره مشخص و خاصی داشتند که بر طبق نظریه ماریا بروسیوس این امر را می توان نمود جامعه ای دانست که در آن پسران ادامه دهنده خانواده به شمار می آمدند. در نهایت می توان از الواح باروی تخت جمشید اینطور نتیجه گرفت که زنان دربار و غیر درباری هخامنشی در تمامی فعالیت

کارگران پشپ بسیار ماهر بوده اند. هالک (آراشرا) را شخص بزرگ، رئیس ترجمه کرده است. در مقابل گروههای کاری پشپها گروه کاری هرینوپ قرار دارد که سرپرست ندارند. گروههای کاری هرینوپ بر عکس پشپها جیره کمتری دریافت می کردند که برای زنان و مردان از ۳۰ کوارت غله تجاوز نمی کند. تفاوت عمده ای که بین پشپ و هرینوپها وجود داشت این بود که پشپها با خاندان شاهی سرو کار داشته اند ولی هرینوپها اینطور نبودند. پشپها گروه مهمی از کارگران در اقتصاد شاهی تخت جمشید بوده اند. الواح باروی تخت جمشید حاکی از آن است که ما با گروههای کاری مختلف زن سرو کار داریم که نشان می دهد کارگران علاوه بر آنکه دستمزد خود را به صورت جنس دریافت می کردند در برخی

پارسه فعالیت داشته اند و در متون الواح با نام شخصی شان به آن اشاره شده است. در بحث الواح باروی تخت جمشید متعلق به گروههای کارگری زنان غیر درباری و بر طبق الواح خوانده شده توسط هالک می توان دو گروه کاری عمده را برای آنان در نظر گرفت. نخست پشپ که در نواحی پارسه و فهلیان مستقر بودند در راس پشپ یک زن به تنهایی وجود دارد که آراشرا پشپینه نامیده می شود و مهمترین ویژگی این گروه تلقی می شود که یک زن به عنوان سرپرست این گروه در نظر گرفته شده است.

تمامی گروه پشپ تحت سرپرستی این زن (آراشرا) و شخص ناشناس دیگری بوده اند که هالک مهر شماره ۲ الواح بارو را متعلق به وی می داند.

صنایع دستی و هنرهای بومی، جلوه ای از فرهنگ دیرینه

سرزمین هزاره ها «مرودشت»

اعظم (الدوز) روستایی



هنرمندانی که خلق آثار آنان از چند هزار سال پیش تا کنون مورد توجه بوده و مصداق بارز آن را می توان در سفال های منقوش و منحصر به فرد منطقه با نام «سفال تل باکون» و هنر «معماری سنگی تخت جمشید» که تنها آلبوم سنگی جهان است؛ به چشم دید؛ همواره زنانزد جهانیان بوده است. سرزمین پر افتخار مرودشت با دارا بودن پنج بخش، دومین شهر پرجمعیت استان فارس و با قدمتی چند هزار ساله، در حوزه صنایع دستی همیشه حرفی برای گفتن داشته است. هر چند ساخت صنایع دستی از گذشته های دور در این سرزمین وجود داشته و مردم منطقه

دستی ساخته می شوند. ایران با تمدن چند هزار ساله خود با این صنعت بیگانه نیست. ارزشمند از نسل های پیشین به بشر امروزی رسیده است. شاید زمانی تصور این هم نمی رفت که آثار مردان و زنان سخت کوش در جای جای جهان که یا به ضرورت نیاز زندگی و یا بر حسب ذوق هنری ساخته و تولید می شد، مورد توجه قرار گیرد و به یک صنعت تبدیل گردد. سرزمین هزاره «مرودشت» با دارا بودن بافت محلی و بومی غنی خود چه از نظر جاذبه های طبیعی، تاریخی و فرهنگی و چه از نظر برخورداری از هنر

های خوراکی مقدار بیشتری از آن را برداشت کند، ناگزیر بود محصول خود را در جایی ذخیره کند. او ظرفهایی را می خواست که در برابر گرما و رطوبت هوا مقاومت داشته باشد و غلات در آن فاسد نشود. از این رو انسان دوران نوسنگی با الهام از همان شکل های طبیعی و با آمیختن آب و خاک، اولین ظرف های سفالی را ساخت و ناخواسته پا به عرصه ای گذاشت که بعد ها ابتکار و اقدام او در ساخت وسایل زندگی، «صنایع دستی» نام گرفت. (۸) صنایع دستی در واقع محصولات و هنرهایی هستند که از مواد اولیه بومی هر منطقه و به کمک دست یا ابزارهای

در حدود ۸۰۰۰ سال قبل که به عصر «نوسنگی» معروف است، مردمی در منطقه وسیعی در آسیای جنوب غربی زندگی می کردند که برای نخستین بار در گروه های کوچک جمع آمده، در یک مکان ساکن شدند و اولین دهکده ها را به وجود آوردند. آثار به دست آمده از دوران پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی، گواه بر فعالیت انسان در ساخت ابزار و وسایل سنگی است. ابزارهایی چون تیغه های دندان دار و به شکل های مختلف هندسی در مکان هایی مانند بیستون و غارهای هوتو و کمریند به دست آمده که گواه این ادعاست. انسانی که یاد گرفته بود با کاشتن دانه

درمه بافی، سیاه چادر بافی، زیلو بافی و نمده مالی سنتی در این بخش از صنایع دستی مرودشت قرار می گیرند.

گیوه بافی: پای افزار گیوه که خنک، سبک و قابل شستشو طراحی شده است و به دلیل داشتن تمامی این ویژگی ها در میان روستاییان و کشاورزان، از گذشته تا امروز مورد استفاده قرار می گیرد هم چنان در برخی از مناطق مرودشت از جمله روستای کندازی و دشتک روبه بافی می شود.

بافتنی های چوبی: سبد نوع دیگری از بافتنی های چوبی منطقه مرودشت به ویژه در گذشته بوده که با استفاده از شاخه های ریز درختان محلی از جمله انار و یا بادام کوهی ساخته و معمولاً استفاده های مختلفی از آن ها می شود؛ از جمله جای نان، جای لباس شسته، جای غلات و میوه، ساخت این سبدها با مصالح و مواد ارزان در منطقه بدون استفاده از دستگاه ها انجام می شده و بسیار اهمیت داشته است. متأسفانه امروزه به دلیل تغییرات اقلیمی و پوشش گیاهی مورد نیاز این هنر، از تولید سبدها کاسته شده است و تنها در بخشی از مرودشت به نام روستای "امزاده اسماعیل" بومیان منطقه، هر چند به طور محدود، به این کار مبادرت دارند. تراش سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی، سفالگری، سنگتراشی و حجاری سنگ و صنایع دستی چوبی از دیگر رشته های غالب و مورد اقبال هنرمندان امروزی خطه مرودشت به شمار می رود.

<https://taci.ir/TacDetailsPage.asp?idn=28>



صنایع دستی که در ابتدا و نه با این نام که برای رفع احتیاجات روزمره بومیان سرزمین مرودشت، مانند سایر جوامع بشری در گذشته های دور به وجود آمده بود، به تدریج رشد و تکامل یافت و امروزه همان صنایع دستی در جای جای مناطق آبادی نشین سرزمین مرودشت، نشان دهنده پیشینه فرهنگ و هنر آن منطقه است.

دست بافته های سنتی داری و غیر داری:

بافته های داری و غیر داری یا زیر اندازها که به دلیل کاربردی بودن این محصولات در کنار هنری بودن آن، توجه غالب مردم دنیا را به خود جلب کرده است، تنوع و قدمتی قرین قدمت سرزمین هزاره ها "مرودشت" را دارد. تولید این دست بافته ها، به عنوان یکی از قدیمی ترین صنایع دستی خطه مرودشت، در اکثر نقاط جغرافیای عشایری روستایی و حتی شهری مرودشت از قدیم تا کنون رواج داشته است. تنوع این محصولات که عموماً به عنوان کفپوش استفاده می شده اند، تقریباً با تنوع فرهنگ این منطقه برابر است. قالی بافی، گلیم بافی، آبی بافی، دو لایه بافی، شیشه

معماری، اشیاء تزئینی سنگی به نام چشم های مصنوعی به کار رفته در تزئین مجسمه های سنگی، جوغن و یا همان هاون سنگی که از سنگ کوه تراشیده شده و برای آسیاب کردن و کوبیدن مورد استفاده قرار می گرفته، عطردان از جنس سنگ مرمر سفید با تراش خاص و دورانی، دستبند و گردن بندهای سنگی و موارد بی شماری از این دست که در موزه تخت جمشید به نمایش گذاشته شده، خاطر هر بیننده ای را مفتخر به داشتن پیشینه ای ارزشمند با صنعت هنری پیشرفته در آن زمان می سازد. پر واضح است اگر به یقین تمامی این اکتشافات را محصول دست مردم این منطقه قلمداد نکنیم و با اذعان به این امر بدیهی که در زمان هخامنشیان هنر و صنعت به جای مانده در منطقه مرودشت و بویژه تخت جمشید و امدار مهارت و هنر هنرمندان از اقصی نقاط قلمرو حکومتی هخامنشیان بوده است، این امر باز هم، سرزمین تاریخی مرودشت و بومیان هنرمند این خطه را از تلقی مهد تمدن و بستری غنی برای عرضه و ارائه تلفیق و هنر، جدا نخواهد ساخت.

نگاهی به صنایع دستی مرودشت از گذشته تاکنون:

برحسب مقتضیات مکان و زمان و نیازهای جامعه آن روز مبادرت به خلق آثاری می کردند که برای بشر امروزی شگفت آور می نماید، اما در سال های اخیر این تلفیق هنر و صنعت که روزگاری بر حسب ضرورت اجتناب ناپذیر دوران خود شکل می گرفت، توانسته است با رویکردی چند وجهی نظر علاقه مندان به هنرهای سنتی را جلب نماید. اگر از زمان شکل گیری و دوران اولین پیدایش نشانه های زندگی بشری در این منطقه بگذریم (که البته آن نیز در جای خود و در حوزه هنرهای بومی منطقه بسی سخن ها و رازها برای گفتن و نوشتن دارد) و پا فراتر نهاده و توفقی در زمان هخامنشیان که به اذعان بسیاری اوج درآمیختگی هنر و صنعت ایران بوده است، داشته باشیم؛ هنر دیرین منطقه مرودشت و پویایی و تلفیق هنر سنتی و صنعتی منطقه ملموس تر به نظر می رسد. اشیاء زینتی و صنایع دستی به دست آمده از اکتشافات باستان شناسان که در موزه تخت جمشید وجود دارد، گواه این ادعاست که سرزمین هزاره ها "مرودشت" مهدی برای عرضه و ارائه تلفیق هنر و صنعت است. گل میخ مفرغی و میخ سرطلا وابسته به تزئینات

پتانسیل های توریسم سلامت در منطقه پاسارگاد

فرزانه گرامی، سیده زهره حسینی



و چشم انداز زیبا با نمای کوه و دشت از جمله امکانات طبیعی موثر در گردشگری سلامت در این منطقه است.

در باور ایرانیان باستان، کوه ها به عنوان محل تولد پیامبران، محل نور و آب و پناهگاه مجنون های عشق الهی به عنوان مکانی مقدس شناخته شده و مورد احترام است. شرایط سخت و ماهیت انسداد کوه ها آنها را به زادگاه های غیر قابل تقسیم فرهنگ های باستانی تبدیل کرده که در آن روابط متقابل میان انسان و طبیعت به وضوح قابل مشاهده است. منطقه پاسارگاد به عنوان بهترین نمونه موردی در این زمینه در دشت مرغاب و ارتفاعات زاگرس واقع شده و تمدن طولانی مدت آن به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد باز می گردد. از سوی دیگر، شیوه های گوناگون زندگی و اکوسیستم های مختلف در این منطقه از یک طرف و شکل کوه های اطراف آن از سوی دیگر، پایه های طبیعی،

این منطقه نیست. همانطور که در گذشته مسافران، گردشگران و مردم محلی آرامگاه کوروش را به عنوان یک شفا دهنده می شناختند و طی مراسمی گوسفندان خود را برای در مصون ماندن از امراضی همچون هاری به دور آرامگاه طواف داده و در رودخانه پلوار می شستند. مورد دیگری که می توان به آن اشاره کرد کوه حضرت یعقوب در شمال شرقی محوطه میراث جهانی پاسارگاد است که از اهمیت و احترام ویژه ای در میان مردم محلی برخوردار است. مردم محلی در مراسم های خاص از این کوه بالا رفته و با زیارت مقبره دعای سلامتی و حاجت روائی دارند. علاوه بر باور و اعتقادات مردم محلی، این منطقه با توجه به پتانسیل های قابل توجه همچون امکانات طبیعی بدون نیاز به داروهای شیمیایی، طب سنتی و تنوع گیاهان دارویی کاملاً منطبق با مرکز گردشگری سلامت است. هوای تازه، گیاهان پزشکی مختلف، آب تمیز، محیط امن

با رویکرد قابل اجرا ارائه گردد.

گردشگری سلامت، امروزه از رو به رشدترین بخش های صنعت گردشگری در جهان است. تعریف گردشگری سلامت از دیدگاه تاباچی استاد دانشگاه کرنل بدین صورت ارائه گردیده است: "هر نوع سفر که از شما یا هر یک از اعضای خانواده تان فردی سالم تر می سازد را گردشگری سلامت می گویند". منطقه پاسارگاد به دلیل منابع تاریخی و طبیعی غنی یکی از بهترین مناطق برای جذب گردشگر است. این ویژگی های منحصر به فرد دلیل مهمی برای تبدیل این منطقه به روستای سلامت و توسعه گردشگری سلامت است. در این بحث کوتاه سعی شده پتانسیل های بالای توریسم سلامت در این منطقه با تمرکز بر روی چهار ظرفیت: طبیعت بکر، شیوه زندگی منحصر به فرد، طب سنتی و گیاهان دارویی معرفی شود. مسافرت با هدف درمان و سلامتی مسئله ای جدید در

گردشگری سلامت یکی از مهمترین پارامترها در توسعه گردشگری کشور است. اگر چه این نوع گردشگری در کشورهای توسعه یافته مورد توجه خاصی قرار گرفته است اما کشورهای در حال توسعه همچون ایران، علیرغم توانایی ها و پتانسیل ها، سرمایه گذاری ارزشمندی در این زمینه نداشته است و از آنجا که گردشگری سلامت در ایران در مراحل اولیه است، می تواند پایه های خود را با ایجاد فرصت های جدید و رقابت پذیری صنعت گردشگری تقویت کند. هدف از این بررسی معرفی و تبدیل منطقه پاسارگاد با توجه به پتانسیل های بالای گردشگری و جاذبه های توریستی و موقعیت عالی آن به یک مرکز گردشگری سلامت است. برای این منظور، نیاز است با شناسایی نقاط قوت و فرصت ها در راستای توسعه پایدار گردشگری سلامت و نیز بررسی تهدیدات چالش برانگیز، دستورات عملیایی به منظور تبدیل نقاط ضعف به فرصت ها و استفاده موثر از نقاط قوت

منحصر به فرد این منطقه اشاره کرد. بر اساس این استدلال، اگر فرصت‌های موجود برای ارزش‌گذاری منابع به درستی شناخته و مدیریت شود، توسعه توریسم پایدار با تمرکز بر گردشگری سلامت در منطقه پاسارگاد دور از انتظار نخواهد بود. علاوه بر این، بسیار مهم است که با تاکید بر نقاط ضعف اصلی و استفاده از فرصت‌ها به تقویت نقاط ضعف گردشگری سلامت در منطقه پاسارگاد پرداخته شود.

منابع:

- صداقت کیش، ج، ۱۳۸۰، آرامگاه کوروش و باورهای مردم فارس، تهران: خجسته.

- Gabor M, Oltean F (2019) Babymoon tourism between emotional well-being service for medical tourism and niche tourism. Development and awareness on Romanian educated women. Tourism Management 70: 170-175.

- Gerami, F. et al, (2019) Identifying potential of health tourism in Pasargadae region, Iran, Athens Journal of Tourism, 6(4).

- Mueller, H. and Kaufmann, E.L. (2001) Wellness Tourism: Market Analysis of a Special Health Tourism Segment and Implications for the Hotel Industry. Journal of Vacation Marketing, 7, 5-17.

- Irani Behbahani H, Bahrami B & Aqa Ebrahimi F (2010) Multidisciplinary analysis of nature, culture, and history in archaeological landscape of Iran. Environmental Science 7(3): 103-116.

گونه ای در هم آمیخته شده است که علائم و نشانه‌های فرهنگی، از دوره‌های باستان تا کنون و با گذشت زمان و همپوشانی روندهای سازگار زندگی در قالب ساختارهای جدید و تغییرات طبیعی می‌تواند تاثیرگذار و قابل درک باشد. این شیوه زندگی خاص می‌تواند سلامت جسمی افراد را با خوردن غذاهای ارگانیک و تازه، رژیم سالم و سبک، ورزش‌های روزانه و تنفس هوای تازه بهبود بخشد. از سوی دیگر، زندگی در طبیعت با حیوانات، ارتباطات فیزیکی نزدیک با خانواده و دوستان و دور شدن از دنیای مجازی می‌تواند بیماری‌های روحی را درمان کند و سبب کاهش حس تنهایی، انزوا و افسردگی، اضطراب و تحریک پذیری سیستم عصبی و ایجاد انگیزه برای یک شیوه زندگی سالم شود. تقویت جاذبه‌های توریسم سلامت در منطقه پاسارگاد به دلیل فرهنگ غنی، سرمایه انسانی و منابع طبیعی می‌تواند این نوع گردشگری در میان کشورهای آسیایی تبدیل کند. با این وجود جذب سرمایه گذاران برای ایجاد هتل و دیگر زیرساخت‌های گردشگری در منطقه و همچنین همکاری ارگان‌ها و سازمان‌های داخلی در منطقه پاسارگاد می‌تواند گامی موثر برای تبدیل نقاط ضعف منطقه به نقاط قوت باشد.

بی تردید توسعه گردشگری سلامت مزایای متعددی از قبیل افزایش سرمایه‌گذاری‌های فردی، افزایش اشتغال و افزایش احساس وابستگی بین ساکنین محلی و منطقه دارد. با این حال، توسعه صنعت گردشگری نیازمند برخی ساختارهای اولیه است. در میان زیرساخت‌ها می‌توان به استفاده از منابع انسانی با آموزش در ابعاد مختلف، استانداردسازی، طبقه بندی امکانات توریستی و حفاظت از موقعیت جغرافیایی



کاهش استرس، بهبود تنفس، ایجاد قدرت بدن و انعطاف پذیری بر سلامت روحی و جسم استفاده می‌شود. چوپانان و کشاورزان ایرانی همیشه از زمان‌های قدیم خود را با طبیعت سازگار کرده‌اند. برخی از آنها شیوه عشایری و مهاجرت فصلی را به دلیل تغییرات فصلی شدید به عنوان شیوه زندگی خود انتخاب کرده‌اند. ایل‌های عشایری منطقه همچون قشقایی، باصری، خمسه و عرب شیبانی مهاجرت فصلی را با هماهنگی تغییرات در فصول مختلف سال به عنوان راهی برای دستیابی به منابع ارزان قیمت خوراکی و فراوانی چراگاه‌های در طول سال و نیز دوری از خشکسالی و یخبندان انتخاب کرده‌اند.

تنگ خرسی، تنگ بلاغی، تنگ خشک و تنگ سیاه در منطقه پاسارگاد، مسیرهای اصلی عشایر است که با مسیرهای دوره هخامنشی هماهنگی دارد. در این منطقه، سطوح زندگی از لحاظ طبیعی و تاریخی به

جغرافیایی و استراتژیک را برای ایجاد تمدن از زمان‌های قدیم تا کنون ارائه کرده‌اند. جریان‌های فصلی رودخانه پلوار - سیوند و شاخه‌های مختلف آن، شرایط مناسب طبیعی برای رویش انواع مختلف گیاهان بومی و زندگی حیوانات وحشی را فراهم کرده است. محیط تمیز و هوای تازه، فاصله از شلوغی و آلودگی شهر، نور فوق العاده خورشید، افق زیبا و شگفت‌انگیز و طبیعت بکر دره بلاغی و جنگل چاه بید مکانی مناسب برای طبیعت‌درمانی و تسریع قدرت بهبود برای هر فرد را مهیا می‌کند. در منطقه پاسارگاد، وجود آب در تنگ بلاغی شرایط استفاده از گیاهان در درمان را فراهم می‌کند. گوش دادن به موسیقی در طبیعت و به دور از شلوغی‌های مراکز شهری، فرصتی باورنکردنی برای تفکر فراهم می‌کند. مدیتیشن نیز به عنوان یک روش درمانی و یوگا به معنای اتحاد بدن، ذهن و روح از انرژی طبیعی به عنوان نوع دیگری از درمان برای

معرفی یک مهر استوانه ای شکل با نقش بانوی هخامنشی



این مهر استوانه ای که متعلق به قرن پنجم ق.م. و از جنس سنگ یمانی است، زنی را نشان می دهد که بر تخت سلطنتی باشکوهی نشسته و پاهایش روی چهار پایه کوچکی قرار دارد. او لباس پارسی به تن دارد با تور و تاج کنگره دار و در دست راستش گل نیلوفر قرار دارد. در مقابل وی زنی کوچکتر پرنده ای را به سوی او آورده و زن سومی پشت یک عودسوز ایستاده است. زن سوم مانند زن بر تخت نشسته تاج و تور بر سر دارد. این مهر هم اکنون در موزه لوور فرانسه نگهداری می شود.



فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد
Parsa Pasargadae World Heritage Site Newsletter

یارسه پاسارگاد

فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد
مدیر مسئول: حمید فدایی - افشین ابراهیمی
سر دبیر: حمید فدایی
ویراستار: مهرناز بردبار
امور اجرایی: صدیقه عباسی - فرزانه گرامی
صفحه آرایی: صدیقه عباسی
چاپ و آماده سازی:

نشانی: دفتر شماره ۱: فارس- مرودشت- مجموعه میراث جهانی تخت جمشید
دفتر شماره ۲: فارس- پاسارگاد- مجموعه میراث جهانی پاسارگاد
تلفن: ۰۷۱ - ۴۳۳۴۱۵۵۶ داخلی ۲۱۲
دورنگار: ۰۷۱ - ۴۳۳۴۱۵۷۳

آدرس وب سایت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد:

www.persepolis.info

www.pasargadae.info

تلگرام: @persepolis_world_heritage_site

@pasargadae_world_heritage_site

ایمیل: info@persepolis.ir

تلفن دفتر شماره ۲: ۰۹۱ - ۴۳۵۸۲۷۹۰ - ۰۷۱